

شیوه همسری در

خانواده نمونه

از آثار:

آیه الله العظمی مکارم شیرازی «مدّظله»

صلی الله علیک یا فاطمة الزهرا سیده النساء العالمین

خانواده نمونه

۲

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ خَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمَهْدِيِّينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُنتَجَبِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي لَا تُخْفَى
أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْعَالِمُونَ
وَأَوْلِيَاءُكَ هُمُ الْفَائِزُونَ وَأَعْدَاؤُكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ
أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ
وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ فِيكَ حَقٌّ
وَأَنَّ الشَّافِعَ الَّذِي لَا تُنَازَعُ
وَالْوَلِيَّ الَّذِي لَا تُدَافَعُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ خَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمَهْدِيِّينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُنتَجِبِينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْفَى
 أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْعَالِمُونَ
 وَأَوْلِيَاكَ هُمُ الْفَائِزُونَ وَأَعْدَاكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ
 أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ
 وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ فِيكَ حَقٌّ
 وَأَنَّ الشُّافِعَ الَّذِي لَا تُنَازَعُ
 وَالْوَلِيَّ الَّذِي لَا تُدَافَعُ

فهرست مطالب

پیشگفتار	۷
آنچه در این کتاب می‌خوانید	۱۳
یک مشکل بزرگ	۱۵
ارزشهای اسلامی در امر ازدواج	۱۸

ویژگیهای خانواده نمونه

ویژگیهای این خانواده نمونه	۲۷
۱- خواستگاری عجیب	۳۱
نخستین گام	۳۳
عقدی که در آسمانها بسته شد!	۳۹
دسته‌های گل بهشتی!	۳۹
هاله حیا!	۴۱

- ۲- مهریه ۴۵
- غوغای مهریه ۴۷
- مهر «بانوی اسلام» ۵۰
- ۳- جهیزیه ۵۵
- مسئله بغرنج جهیزیه ۵۷
- جهیزیه دختر گرامی پیامبر ﷺ ۶۰
- ۴- خطبه عقد ۶۷
- مراسم خطبه عقد ۶۹
- ۵- جشن عروسی ۷۵
- مراسم عروسی ۷۷
- سرود شادی! ۸۶
- بزم شادی کزوبیان، و نثار عروس! ۸۷

پیشگفتار (برای اولین چاپ این اثر)
از سوی «انجمن محبان فاطمه - مشهد»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و ستایش ذات مقدّسی را سزاست که صفات جلال و
جمالش را حدّی نباشد. نه انکارش می توان نمود و نه توصیفش
می توان کرد. فقط او بی همتاست و کفوی برایش نیست، و برای هر
پدیده‌ای جفتی آفریده است.

شکر و سپاس بر او زبینه است که نعمتهایش از مرز شمارش
بیرون و به عصیان بندگان، رحمتش را دریغ نمی نماید.
سلام و صلوات بر سید مرسلین حضرت خاتم النبیین ﷺ که
بشر را از ضلالت کفر رهائی بخشیده و زنجیر اسارت تعصّبهای
کور و کرکننده را از دست و پایش برداشته و او را به منزل سعادت و
کمال رهنمون گشت.

درو و تحیات بی حد بر سید اولیا و امام المتقین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و بر سیده النساء همسر و الامقام و ارجمندش حضرت فاطمه زهراء علیها السلام و فرزندان معصومش خاصه حضرت بقیة الله حجة بن الحسن العسکری علیه السلام که با تلاش و صبر و قیام و قعودشان مشعل دین را برای همیشه پر فروغ نگهداشته و پویندگان حقیقت را از چشمه آب حیات سیراب ساختند.

ظلمت ظلمها و حق کشیها، افق عالم را تاریک و جهان را به ظلمتکده ای تبدیل کرده بود و آرامش و آسایش از زندگی انسانها بکلی رخت بر بسته بود و شاید در هیچ کجای زمین عدل و انصاف حاکم نبود. شعار مردم، بی عدالتی؛ و افتخار و سرافرازی، در تعدیها و تجاوزها خلاصه می شد و آنکه بیشترین بار مظلومیّت را در این میان به دوش می کشید «زن» بود؛ نه تنها در شبه جزیره عربستان که در تمام جهان از حقوقش محروم و بلکه گویا انسان به حساب نمی آمد. البته عرب گوی سبقت را در این سیر فقهرائی از دیگر ملل ربوده و به آنجا سقوط کرده بودند که اگر شترانشان بره ماده می زائیدند شادمان شده و لکن همسرانشان اگر دختر می آوردند چنان ابرو درهم کشیده و غضب نموده و با صورتی سیاه و سر در گریبان از شدت شرمندگی از میان قوم و قبیله خود می گریختند و مخفی می گشتند (بِتَوَارِي مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ) مثل کسی که جنایتی بزرگ و عملی شنیع مرتکب شده و

عاقبت هم این فرزند بی‌گناه را از دامان مادر دردمند و افسرده ربوده و با کمال قساوت زنده به گور می‌کردند و سپس مانند کسی که فتحی بزرگ نموده به محیط تاریک زندگی برمی‌گشتند.

خدا می‌داند که چقدر دختران زنده زیر خاک دفن شدند! به اجمال می‌دانیم پدرانی یافت می‌شدند که به اقرار خود تا هفت دختر خود را به این سرنوشت شوم گرفتار ساخته و بر این باور مباحثات می‌کردند.

در یک چنین روزگار تیره که زندگی در آن تلخ‌تر از زهر بود، خداوند متعال بر بشر منت گذارده و حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مبعوث به رسالت کرد. یکی از اهداف آن سید و سرور بشر، جلوگیری از این ظلم بزرگ و احیاء ارزش زن بود. او با شعار ملکوتی «لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ» به میدان مبارزه با این سنت غلط آمد و چندان مجاهده نمود تا این خوی زشت را از ضمیر آنان دور ساخت. و دانستند که دختر هم از فرزندان ایشان می‌باشد.

حضرتش دارای سه پسر شد که هر سه از دنیا رفتند. و تنها دخترش «حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام» باقی ماند. در تربیت و پرورش او کوشید و زهرای مرضیه عَلَيْهَا السَّلَام در دامن پدر به مقامی رسید که او را «انسیه حوراء» بلکه «سیده النساء» و عاقبت «امّ ایها» صدا می‌زد. خواست به جهانیان اعلام نماید که این بانوی با عظمت با آن که یک زن است ولی در تمامی روی زمین همتراز و همراز و همسری برای

او جز علی بن ابی طالب «صلوات الله علیه» پیدا نشود که اگر او نبود هیچ مردی قابلیت نداشت که در کنار فاطمه علیها السلام قرار بگیرد. باری اگر زنان بخواهند جایگاه ویژه خود را بیابند و ملعبه دست هوسرانان شهوت پرست و بازیچه دنیاپرستان کثیف قرار نگیرند، باید زندگی سراسرافتخار حضرت صدیقه کبری علیها السلام را الگوی خود قرار دهند - که راه سعادت همین است و بس.

ولهذا انجمن محبان فاطمه علیها السلام - که به توفیق الهی در طی سالهای گذشته توانسته است شب میلاد فرخنده حضرتش را با انعقاد محفلی با شکوه گرامی بدارد - سعی وافر و عزمی راسخ داشته که همه ساله دسته گلی از بوستان فضائل و مناقب آن حضرت به صورت یک اثر فرهنگی تقدیم میهمانان عزیز خود بدارد بدان امید که شاید با آشنائی گوشه‌هائی از زندگی آموزنده حضرتش، پویندگان راه سعادت ره نجات را یافته، و با پیروی از فرمایشات و اعمال آن بانوی بزرگ دو عالم و با شخصیت‌ترین زنان جهان، دردهای جامعه درمان، و زندگی به بهشتی برین مبدل گردد. «آمین یا رب العالمین»

بار سنگین این آثار ذقیمت و ارزنده را حضرت آیه الله مکارم که خداوند جزائی عظیم به ایشان عنایت فرماید و قلم شیوای ایشان را همیشه در خدمت اسلام و مسلمین و نشر آثار حیاتبخش مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام باقی دارد، به دوش می کشیده‌اند،

امسال هم استدعای ما را پذیرفته و بحثی شیرین و خواندنی را دربارهٔ مراسم حیاتی ازدواج و همسری در خانوادهٔ نمونه برای ما مرقوم فرموده‌اند و خدای را سپاسگذاریم که توفیق انتشارش را هم به ما عنایت فرموده، باشد که با مطالعه و عمل به آن بخشی از گره‌های کور موجود در مسألهٔ ازدواج باز شده و این مشکل که بر سر راه بسیاری از خانواده‌ها، پدران و مادران، و جوانان به صورت معمائی حل نشدنی جلوه نموده، حل گردد. «اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ وَ حَسْبِنَا اللّٰهُ وَ نَعْمَ الْوَكِیْل»

انجمن محبّان فاطمه - مشهد

تاریخ: ۶۸/۹/۱۰

آنچه در این کتاب می‌خوانید

از مشکلات طاقتفرسایی که جامعه امروز ما با آن روبه‌رو است، مسئله تشکیل خانواده و ازدواج جوانان است که روزبه روز به صورت پیچیده‌تر و پُر دردسرتی درمی‌آید.

در حالی که راه حلّ این مشکل بزرگ در اسلام به روشنی ارائه شده است، و ما به منزله کسانی هستیم که در کنار سرچشمه زلال، تشنه و از تشنگی رنج می‌بریم.

آنچه در این کتاب می‌خوانید، اشاره‌هایی به انواع مشکلات این مسأله و سپس شرح گوشه‌های جالب و ظریف و آموزنده‌ای از زندگی پرافتخار علی علیه السلام و بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان رهنمونی برای حلّ آنها است.

به این ترتیب هم به «دردها» اشاره شده، هم به «طرق درمان».

یک مشکل بزرگ

امروز مسأله تشکیل خانواده و ازدواج جوانان به صورت یکی از پیچیده‌ترین مسائل حاد اجتماعی درآمده است، و کمتر خانواده‌ای است که دارای دختر و پسر جوانی باشد و از این موضوع ناله نکند و رنج نبرد.

انبوهی از مشکلات طاقتفرسا این مسأله مهم و در عین حال ساده زندگی را در کام خود فرو برده، و به صورت هیولائی وحشتناک درآورده است.

دختران زیادی در خانه‌ها مانده و در انتظار ازدواجند، و درحالی که هیچ مشکل اصولی ندارند، خود را در برابر انبوهی از مشکلات جانکاه و در برابر موانع غیرقابل عبوری مشاهده می‌کنند. از آن سو نیز پسران زیادی سنین شاداب جوانی را پشت سر گذارده، و هنوز در خم یک کوچه، در آرزوی تشکیل خانواده‌اند،

ولی آداب و رسوم زشت اجتماعی، و پیرایه‌های غلطی که به این امر حیاتی بسته‌اند آنها را از رسیدن به مقصود باز می‌دارد. و عجب اینکه این مسأله در خانواده‌های مرفه و فقیر هر دو از امور پیچیده است! چرا که هر کدام کوهی از توقع‌های غلط را بر دوش دارند، و زیر آوار سنگینی از آداب و رسوم موهوم دست و پامی‌زنند. و اسفبارتر اینکه چون پایه‌ها از آغاز کج گذارده می‌شود، بنای بسیاری از خانواده‌ها تا گنبد دوار کج می‌رود، و چون شالوده محکمی ندارد پیوسته دستخوش نوسانات و اضطرابات و ناراحتیها است.

این در حالی است که می‌دانیم «خانواده بزرگ بشری» از همین «خانواده‌های کوچک» تشکیل می‌شود که هر یک به منزله آجری در این ساختمان عظیم است، و استحکام این ساختمان عظیم بستگی به استحکام این واحدهای کوچک دارد.

اگر این آجرها محکم و صاف و با دوام و پرمصلابت باشند این مجموعه عمر طولانی و مفید دارد، و بعکس اگر سست و ناموزون باشد دائماً دستخوش تلاطم و ناهنجاریها است، و بسرعت از هم فرو می‌پاشد و متلاشی می‌شود.

بنابراین، مسأله تشکیل خانواده براساس الگوها و معیارها و ارزشهای صحیح، از یکسو رابطه مستقیم و نزدیکی با حل مشکلات خانوادگی و نابسامانیهای شخصی مردم دارد، و از سوی دیگر نیز

پیوند روشنی با حل مشکلات اجتماعی دارد. به همین دلیل برای تحکیم روابط عمومی اجتماعی انسانها، باید قبل از هر چیز به فکر استحکام ریشه اصلی افتاد، و پایه‌های خانواده را بر شالوده قوی و محکم بنا نمود. جالب این است که در روایات اسلامی تشکیل خانواده مخصوصاً به ساختن یک بنا تشبیه شده آنهم بنائی محبوب نزد خدا چنان‌که در حدیثی از رسول خدا ﷺ می‌خوانیم:

مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّزْوِيجِ.^۱

بنائی در اسلام نزد خدا محبوبتر از تزویج نیست.

و نیز قابل توجه اینکه قرآن سرچشمه آرامش و امنیت را تشکیل زندگی صحیح خانوادگی می‌شمرد، در آنجا که می‌فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا
إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۲

یکی از آیات و نشانه‌های عظمت خدا این است که همسرانی از جنس شما برای شما آفرید تا آرامش خویش را در کنار آنها پیدا کنید، و در میان شما محبت و دوستی و رحمت قرار داد، در این نشانه‌های بسیاری است برای کسانی که اندیشه می‌کنند!

۱. وسائل الشیعه؛ جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۳.

۲. سوره روم، آیه ۲۱.

ولی متأسفانه بسیاری از عقلا و اندیشمندان نیز به این مرحله که می‌رسند از اندیشه در عوامل اصلی مودت و رحمت باز می‌مانند، و تمام اندیشه‌ها متوجه آداب و رسوم غلط و ارزشهای موهوم و پندارهای خرافی می‌شود!

* * *

ارزشهای اسلامی در امر ازدواج

از دلایل عظمت تعلیمات اسلام این است که این مسأله مهم زندگی را با دقت و موشکافی عجیبی مورد بررسی قرار داده، و برای تشکیل خانواده سالم و خالی از هرگونه کژی و ناموزونی، از هیچ برنامه مؤثری فروگذار ننموده، از نخستین گام برای تشکیل خانواده، هدفهای اصلی این کار و ارزشهای والای حاکم بر آن را مورد توجه قرار داده، و در برابر «ضد ارزشهای» که گاه از سوی وسواسان خناس به عنوان «ارزش» در تشکیل خانواده قلمداد می‌شود هشدار داده است.

این تعلیمات گاه به سراغ صفات زنانی که شایسته همسری هستند و باید به هنگام خواستگاری به آن توجه داشت رفته، و چنین می‌گوید:

إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْءَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ لِمَالِهَا وَكَلَّ إِلَى ذَلِكَ
وَ إِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ الْمَالَ وَالْجَمَالَ.^۱

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۱ - این حدیث با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

هنگامی که مردی همسری را تنها به خاطر زیبایی و ثروتش انتخاب کند خداوند او را به همان زیبایی و ثروت وامی‌گذارد (و از همه چیز محروم می‌شود) و هرگاه همسرش را به خاطر دیانتش انتخاب کند، خداوند مال و جمال را نیز به او می‌دهد.

و در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام چنین آمده است:

شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و درباره ازدواج (و ارزشهای حاکم بر آن) با آن حضرت مشورت کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنْ كُنَّ وَ عَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ.^۱

ازدواج کن و بر تو است که به سراغ همسری با ایمان و دیندار بروی که روزی تو را گسترده می‌کند!

و گاه از زنان زیبایی که در خانواده‌ای آلوده و فاقد تربیت و ایمان پرورش یافته‌اند و بسیاری از مردم به خاطر جمال آنها از عیوبشان بکلی چشم می‌پوشند تعبیر به سبزه‌ها (و گل‌هائی) که بر «مزبله» می‌روید فرموده است، چنان‌که در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم روزی برخاست و در میان مردم خطبه خواند (تعبیر به «قَامَ خَطِيبًا» که در روایت آمده دلیل بر اهمّیت موضوع، و ابتلائی قشر وسیعی از مردم به این مساله است) و فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدَّمَنِ

مردم از گیاهان زیبایی که بر مزبله‌ها می‌روید، پرهیز کنید!

۱. وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۲.

کسی عرض کرد:

ای رسول خدا!

وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ؟

گیاهی که به مزبله‌ها می‌روید چیست؟

پیامبر ﷺ فرمود:

الْمَرْءَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبَتِ الشُّؤءِ

زنِ زیبایی است که در خانواده آلوده و بدی پرورش یافته!^۱

این برداشت از ارزشهای حاکم بر انتخاب همسر کجا، و آنچه در میان گروهی رایج است که از مسأله مال و جمال نیز فراتر رفته و به اموال پدر و بستگان او می‌اندیشند، یعنی انتظار مرگ آنها را می‌کشند تا صاحب ثروتی شوند!

و گاه در برابر موهوماتی که مردم از نظر طبقات اجتماعی به‌هنگام ازدواج مطرح می‌کنند و یک جوان با ایمان و پاکدامن را به حکم آن‌که پدرش مثلاً یک کارگر ساده یا کشاورز است، لایق همسری دختر خود نمی‌دانند، و حتی مسائل نژادی و قبیله‌گی را مقدم بر این فضائل می‌شمرند، می‌گوید:

مؤمنان خونهایشان مساوی، و همه در ازدواج کُفُو یکدیگرند!^۲
این در حالی است که حتی بعد از ظهور اسلام و استقرار آن در

۱. فروع کافی، جلد ۲، صفحه ۵.

۲. فروع کافی، جلد ۲، صفحه ۱۰.

بخش عظیمی از جهان باز گروهی از افراد بظاهر مسلمان ازدواج عرب را با غیر عرب نکوهش می کردند و ازدواج بنی هاشم را با غیر آنها عیب می دانستند!

لذا پیغمبر اکرم ﷺ در حدیثی فرمود:

الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ^۱

مؤمنان کفو و همانند یکدیگرند (و اختلاف قشرهای اجتماعی نمی تواند آنها را در مسأله ازدواج از هم جدا سازد).

ولی مگر می توان اینگونه تعلیمات والای اسلامی را در جوامع کنونی، و حتی در میان قشرهای ظاهراً متدین پیاده کرده، و دهها قیود موهومی را که برای شایستگی ازدواج دختران و پسران خود با دیگران قائلند از زندگی آنها حذف نمود!

جالب توجه اینکه در احادیث متعددی این مضمون از پیغمبر اکرم ﷺ یا ائمه هدی علیهم السلام به چشم می خورد که می فرمایند:

إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَزَوِّجُوهُ، إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فسادٌ كَبِيرٌ^۲

هرگاه کسی که اخلاق و دین او را می پسندید به خواستگاری آید او را به همسری دخترتان بپذیرید، اگر چنین نکنید فتنه عظیم و فساد بزرگی در زمین خواهد افتاد!

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۴۹، حدیث ۷.

۲. وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۵۱، حدیث ۱ و ۲ و ۳.

این هشدار، ابعاد خطرناک خرافاتی را که در این زمینه بر مسأله ازدواج حاکم است روشن می‌سازد، و شاید بسیاری از مفسد عظیم که هم امروز بر جوامع بشری حاکم است مصداق همان باشد که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این احادیث نسبت به آن هشدار داده‌اند. اسلام‌گانه مسائل مهریه و جهیزیه و هزینه‌های ازدواج را بطور کلی مورد توجه قرار داده و با استفاده از دو مفهوم کاملاً آشنا یعنی سعادت و تیره‌روزی مطالب لازم را در این زمینه بازگو می‌کند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

أَمَّا الْمَرْئَةُ فُشُومُهَا غِلَاءٌ مَهْرُهَا^۱

اما شومی و بد قدمی زن آن است که مهرش سنگین باشد!

و در حدیث دیگری آمده:

إِنَّ مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْئَةِ قِلَّةُ مَهْرِهَا وَ مِنْ شُومِهَا كَثْرَةُ مَهْرِهَا^۲

یکی از برکات همسر کمی مهر او است، و از شومی او زیادی

مهر او می‌باشد!

این مسأله همچنان ادامه می‌یابد تا به مسأله انعقاد نطفه فرزند، و سپس تغذیه مادر در دوران بارداری، و بعد نامگذاری نوزاد، و سپس صفات زنی که به عنوان دایه انتخاب می‌شود که روحيات و

۱. تهذیب، جلد ۲، صفحه ۲۲۶.

۲. من لایحضر الفقیه، جلد ۲، صفحه ۱۲۴.

اخلاق خود را از طریق شیر به کودک منتقل می‌کند، و سرانجام به مسأله معلّم، و وظیفه پدر و مادر در برابر تعلیم و تربیت فرزند خود می‌رسد که هر کدام از اینها در تعلیمات اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد، و دستورات روشن و قاطعی درباره آن در روایات اسلامی دیده می‌شود، و در همه جا روی ارزشهای انسانی تکیه شده، و مسائل تربیتی در سرلوحه برنامه قرار گرفته، و حتی از مسائل ظاهراً کوچک غفلت نشده است.

بی‌بند و باری‌های ما در مسائل مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده و تربیت فرزند از یکسو، و دقت نظر اسلام در این مسائل حیاتی از سوی دیگر، ما را به یاد آن مصرع معروف می‌اندازد که «بین تفاوت ره از کجا است تا به کجا!»

کار به جایی رسیده است که مسأله مراسم ازدواج که معمولاً باید چشمه جوشانی از شادی برای خانواده‌های دو طرف باشد، تبدیل به یک دوران مصیبت بار و غم‌انگیز شده، چرا که پشت داماد در زیر بار مهرهای سنگین، اعم از نقد و نسیه، و هزینه‌های کمرشکن جشن عقد و عروسی و انواع تجملات و جواهرات، و پشت خانواده عروس در زیر بار سنگین جهیزیه که چیزی جز چشم و همچشمی و تقلیدهای کورکورانه و موهومات و خیالات، بر آن حاکم نیست، خم می‌شود و کسان دو طرف گاه تلخ‌ترین ساعات عمر خود را در این جلسات به اصطلاح شادی یا مقدمات آن می‌گذرانند!

چه آبروهائی که بر باد نمی رود، چه کدورتها و دشمنی هائی که به وجود نمی آید، و چه مشکلاتی که گاه تا آخر عمر سایه شوم آن بر خانواده‌ها افتاده است، رخ نمی دهد!

آیا روزی فرا خواهد رسید که واقعیتهای سازنده و مفید از موهومات و خرافات در این مسأله حیاتی جدا شود و ارزشهای کاذب جای خود را به ارزشهای صحیح، بسپارد و ملت مسلمان ما، تعلیمات اسلام را جانشین آداب و رسوم غلط و مصیبت بار کند! ما در این نوشتار برای رسیدن به عمق تعلیمات اسلام در این زمینه، به جای بررسی مشروح آیات و روایات اسلامی، راه دیگری انتخاب کرده ایم که فکر می کنیم تأثیر آن در بیدار کردن افکار بیشتر است، و آن اینکه به سراغ یک خانواده نمونه ای برویم که در اسلام نظیر نداشته، و دقیقاً زیر نظر شخص پیامبر اسلام ﷺ و با اشراف کامل او تشکیل شده است، یعنی پیوند ازدواج علیؑ با بانوی اسلام، فاطمه زهراؑ تا برای مسلمانان اسوه و الگوی پرارزشی باشد.

ویژگیهای
خانواده نمونه

ویژگیهای این خانواده نمونه

این خانواده نمونه با داشتن مشخصات زیر از هر جهت می تواند
تابلو زنده‌ای از تعلیمات حیات‌بخش اسلام باشد:

۱- از این نظر که هر دو سویش با نزدیکترین رابطه، به پیامبر
اسلام ﷺ می‌رسد:

فاطمه زهرا علیها السلام دختر دل‌بند او، و تنها کسی است که نسل
پیامبر ﷺ از سوی او در جهان گسترش یافته، و علی علیه السلام پسر عم و
یار دیرین پیامبر ﷺ از نخستین روزهایی که آفتاب پر فروغ اسلام
طلوع کرد، تا واپسین دقائق عمر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

۲. زهرا علیها السلام در اسلام تولد یافت و علی علیه السلام دهساله بود که پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله فرمان نبوت را دریافت نمود، و این دو زوج در آغوش
اسلام پرورش یافتند و با آداب اسلام بزرگ شدند.

۳. تمام مراحل خواستگاری و مراسم زفاف و تربیت فرزندان همه زیر نظر شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به دستور و فرمان او صورت گرفت. بنابراین، ازدواج مزبور به تمام معنی اسلامی بود، و تمامی ارزشهای والای اسلام در آن تجلی داشت.

نظر این است با طرح این مسأله همراه و همگام با خوانندگان عزیز در مراحل مختلف تشکیل این خانواده نمونه سیر کنیم، و عصاره تعالیم اسلام و مفهوم زندگی صحیح خانوادگی را در آن ببینیم، و بعد وجدان خود را حاکم کنیم و کمی بیندیشیم و ببینیم اسلام اصیل و واقعی کدام است؟ و ما چه هستیم؟ تربیت اسلامی چه می گوید و تربیت ما مسلمانان امروز چگونه است؟

متأسفانه گروهی از اسلام تنها به یک سلسله آداب سطحی قناعت کرده اند، و نماز و روزه و حجی بی محتوی، و فاقد روح، و قرآنی خالی از تدبیر، و دعائی تهی از حضور قلب، و زیارتی به قصد سیاحت، انجام می دهند، بی آنکه اسلام در عمق جانشان ریشه دوانده باشد.

به راستی مسأله تشکیل خانواده و ارزشهای حاکم بر آن می تواند محک خوبی برای شناخت مسلمانان راستین از مسلمانان سطحی باشد.

همانها که دم از حج و نماز و روزه می زنند، هنگام شوهر دادن دختران خود چنان برای مهریه های میلیونی پافشاری می کنند، و حتی برای محکم کاری و پیش بینی نرخ تورم در آینده مبلغ مهریه را از پول رائج به طلای خالص ناب! تبدیل کرده، و به هنگام تعیین

شیربهاء و مقدار طلا و جواهرات چنان خونشان به جوش می آید و رگهای گردنشان سستبر می شود که گوئی تمام موجودیت آنها به خطر افتاده! آنها دائماً از شغل داماد، و مقدار ثروت او و پدرش و فامیلش، و خانه و اتومبیلش سخن می گویند، خدا را پاک فراموش کرده، و توکل بر ذات مقدس او را در زندگی از دست می دهند. فوراً سؤال از خانه ملکی داماد می کنند در حالی که بسیاری از جوانان حقوق بگیر اگر تمام حقوق سی سال کارمندی خود را جمع کنند به زحمت پول یک خانه می شود!

از سوی دیگر، آنها که به سراغ دختری می روند تمام چشمشان را به فرشهای خانه، و تجمّلات و زینت آلات و میزان ارث احتمالی او در آینده، و میزان قدرت آنها در تهیه یک مشّت و سائل تجمّلی بنام جهیزیه که گاه بعضی از آنها در تمام عمر نیز یکبار مورد نیاز قرار نمی گیرد، دوخته اند.

اینجا است که اگر جسارت نباشد (وَإِنْ شَاءَ اللَّهُ نِيسْت) انسان به یاد حدیث معروف سرور آزادگان جهان امام حسین علیه السلام می افتد که درباره گروهی از مردم فرمود:

النَّاسُ عَيْبُ الدُّنْيَا وَالِدَيْنِ لِعَقُّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ

مردم بندگان دنیا، و دین تنها بر زبان آنها دور می زند!

یا در حدیث دیگری از رسول الله صلی الله علیه و آله می خوانیم که درباره

گروهی فرمود:

آنها قرآن را می‌خوانند در حالی که (لَا يَجُوزُ تَرَاقِيهِمْ) از شانه‌های آنها بالاتر نمی‌رود! و به مغز و اعماق روح آنها نمی‌رسد.^۱

ولی باید توجه داشت که این‌گونه برخورد با حقائق قرآن و تعلیمات اسلام عواقب دردناکی دارد، و مجازات الهی را به دنبال خواهد داشت، چنان‌که در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم:

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ حَرَامًا، أَوْ آثَرَ حَبًّا لِلدُّنْيَا
وَزَيْتَتِهَا، اسْتَوْجَبَ عَلَيْهِ سَخَطَ اللَّهِ، إِلَّا أَنْ يَتُوبَ

کسی که قرآن بخواند و سپس (بر خلاف دستور قرآن) مشروب حرامی را بخورد یا محبت دنیا و زینت آن را بر قرآن مقدم دارد مستوجب خشم الهی خواهد بود، مگر این‌که توبه کند!^۲

به هر حال، هدف این است که بخواست خدا، این خانواده نمونه در اسلام را به‌عنوان بهترین سرمشق در پایه‌گذاری زندگی خانوادگی مورد توجه قرار دهیم، و خدا را به حق آنان بخوانیم که به ما توفیق پیروی از سنت‌های حسنه‌ای که آنها برای ما به‌یادگار گذارده‌اند، عنایت فرماید «آمین یا رب العالمین».

۱. اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۵۰، حدیث ۳. کتاب القرآن، باب ۹، ترتیل القرآن بالصوت الحسن.

۲. بحار الأنوار، جلد ۹۲، صفحه ۱۸۰، حدیث ۱۳.

۱
خواستگاری عجیب

نخستین گام

نخستین گام در تشکیل خانواده، از مسأله خواستگاری شروع می شود.

در مناطقی که ما زندگی می کنیم، و بسیاری از مناطق دیگر، خواستگاری از سوی خانواده داماد شروع می شود، ولی در بعضی از کشورهای جهان (مانند بعضی از مناطق هند) بسیار می شود که خواستگاری از ناحیه خانواده عروس صورت می گیرد! آنها هستند که به سراغ خانواده داماد و انتخاب او می روند، و حتی سعی می کنند با تعهد جهیزیه های سنگین دل آنها را به دست آورند!

در بسیاری از کشورهای غربی - و نیز در بعضی از مناطق غرب زده شرق هر دو به خواستگاری یکدیگر از طریق روزنامه ها می روند، دختر و پسر مشخصات خود را در بعضی از روزنامه ها عنوان کرده و آمادگی خود را برای ازدواج با همسری که دارای

شرایط و مشخصاتی چنین و چنان بوده باشد اعلام می‌دارند. و عجیب نیست که مشخصاتی که طرفین عنوان می‌کنند، مجموعه‌ای از یک سلسله ارزشهای صدرصد ظاهری و مادی باشد مانند طول قامت، وزن بدن، رنگ مو، رنگ پوست و چشم و میزان بهره‌مندی از زیبایی و جمال (البته به تشخیص خودشان) و مسائل دیگری از قبیل علاقه به ورزش، و موسیقی و چیزهایی در این راستا، چرا که ارزشهای معنوی نه تنها در این‌گونه جوامع حاکم نیست بلکه گاهی آنها را ضد ارزش یا جزء خرافات می‌شمرند و به باد سخریه می‌گیرند.

اخیراً نوع دیگری از خواستگاری در میان قشرهای مذهبی پیدا شده که مرکزی را برای مراجعه دختران و پسرانی که آماده ازدواج صحیح و سالم هستند، ترتیب می‌دهند؛ در این مراکز که افرادی مطمئن و متعهد و آگاه بر آن نظارت دارند پرونده‌های محرمانه‌ای برای هر یک از خواستگاران تشکیل داده، و خصوصیات معنوی و مادی همسر مورد نظر آنها را به صورت کلی ثبت می‌کنند، و طبعاً هنگامی که تعداد افراد زیاد باشد هر کس به آسانی می‌تواند فرد مورد نظر خود را پیدا کند.

البته ضوابطی بر این‌گونه مراکز حاکم است که جلوگیری از سوء استفاده افراد ناباب و عوامل نفوذی را می‌گیرد، و اگر این کار به طرز صحیح و ظریفی گسترش یابد بسیاری از مشکلات همسریابی را حل

خواهد کرد ولی این نوع خواستگاری نیز خالی از نواقص و عیوب نیست.

به هر حال، نمی توان انکار کرد که هنوز در جوامع اسلامی ارزشهایی که بر مسأله خواستگاری چه از طرف دختر، و چه از طرف پسر، حاکم است شکل اسلامی به خود نگرفته و در اکثر موارد بر محورهای مادی، و گاه حتی بر محور امور موهوم و تخیلی و دروغین و کاذب دور می زند.

کمتر کسی را می بینید که به هنگام خواستگاری دختر به مال و ثروت پدر او، و مقدار جهیزیۀ احتمالی، و طلا و جواهرات و درجه زیبائی و جمال او نیندیشد.

همچنین در مورد داماد غالباً مسأله شغل پردرآمد، مسکن ملکی، نفوذ اجتماعی پدر، اتومبیل و وسیله های نقلیۀ گرانبیامت و پر زرق و برق مورد توجه قرار می گیرد.

این روزها پایه های تحصیلی نیز مطرح است، اما غالباً منظور پایه های مدرکی است که به دنبال آن امکان اشتغال و کار مطرح می گردد نه علم و سواد و فضل و دانش!

در عین حال نمی توان انکار کرد که هنوز هستند افرادی که بیش از هر چیز به عفت و نجابت و ایمان و اخلاق و حسن سلوک و ایثار و فداکاری و صفا و تقوای همسر آینده خود می اندیشند، و ارزش او را با این مسائل تعیین می کنند، ولی نمی توان تعیین کرد که چند

در صد اجتماع مسلمانان امروز اینچنین فکر می‌کنند!

حال به سراغ خانواده نمونه می‌رویم تا ببینیم ارزش همسر را با چه معیاری مشخص می‌کنند.
در روایات متعددی این معنی را از قول امام صادق علیه السلام یا دیگر معصومین علیهم السلام می‌خوانیم:

لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لِفَاطِمَةَ عليها السلام مَا كَانَ لَهَا
كُفُوٌ عَلَى الْأَرْضِ^۱

اگر خداوند امیرمؤمنان علی علیه السلام را نیافریده بود، فاطمه علیها السلام همتائی برای همسری‌اش در تمام روی زمین نداشت!

بدیهی است این بی‌همتائی نه از نظر ارزشهای ظاهری و مادی است، بلکه صرفاً ناظر به ارزشهای معنوی، ایمان و تقوا و قرب به پروردگار و مقامات فوق‌العاده و والای انسانی است.
همین مطلب نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود:

جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد! خداوند
جلّ جلاله می‌فرماید:

لَوْ لَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْتِكَ كُفُوٌ عَلَيَّ وَجْهِ
الْأَرْضِ، آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ^۲

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۷، حدیث ۶.

۲. همان مدرک، صفحه ۹۲، حدیث ۳.

اگر من علی را نمی‌آفریدم کفو و همتائی برای همسری دخترت
فاطمه در تمام روی زمین پیدا نمی‌شد، از آدم گرفته تا دیگران!

جالب اینکه، در صدر این حدیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

گروهی از شخصیت‌های قریش مرا در مورد خواستگاری
فاطمه علیها السلام ملامت کردند، و گفتند: ما او را خواستگاری
کردیم و تو ما را محروم نمودی، و او را به همسری علی
درآوردی!

فرمود:

به خدا سوگند من شما را منع نکردم و من فاطمه را به
همسری علی درنیاوردم، این خدا بود که شما را منع کرد و او
را به همسری علی درآورد!
سپس جمله فوق را بیان فرمود.

در حدیث دیگری آمده است ابوبکر و عمر هر کدام خدمت
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای خواستگاری فاطمه علیها السلام رفتند، و پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ
منفی به آنها داد. هنگامی که علی علیه السلام به سراغ حضرتش آمد با
پیشنهاد او موافقت فرمود در حالی که چیزی جز یک زره برای
هزینه‌های این کار نداشت!

هنگامی که این خبر به بانوی اسلام فاطمه علیها السلام رسید گریه کرد (از
بعضی از روایات استفاده می‌شود این گریه و ناراحتی به خاطر این
بود که جمعی از زنان مدینه فاطمه را به خاطر همسری با مرد
تهی دستی همچون علی علیه السلام سرزنش کردند و زخم زبان زدند)،

پیامبر ﷺ از علت گریه او سؤال فرمود، هنگامی که از جریان آگاه شد، جمله مهمی بیان کرد که ارزشهای اسلامی را در مسأله خواستگاری و ازدواج روشن می‌سازد، فرمود:

وَاللَّهِ لَقَدْ أَنْكَحْتُكَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا وَ أَفْضَلَهُمْ حِلْمًا وَ
أَوْلَهُمْ سِلْمًا^۱

به خدا سوگند کسی را به همسری تو درآوردم که از همه آنها علمش بیشتر، و حلمش برتر است، و نخستین کسی است که اسلام آورده!

در حدیث دیگری این مطلب به شکل گسترده‌تری مطرح شده است. در این حدیث می‌خوانیم فاطمه علیها السلام هنگامی که سخن بالا را شنید، شادمان و مسرور شد. پیامبر ﷺ در فرصتی دیگر خواست بهره‌افزونتتری در این زمینه به او دهد، فرمود:

يَا فَاطِمَةُ، لِعَلِّي تَمَانُ خِصَالٍ: اِيْمَانُهُ بِاللَّهِ وَ بِرَسُوْلِهِ، وَ
عِلْمُهُ، وَ حِكْمَتُهُ وَ زَوْجَتُهُ وَ سِبْطَاهُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، وَ
اَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ قَضَاؤُهُ بِكِتَابِ اللّٰهِ.^۲

ای فاطمه! علی هشت فضیلت دارد: ایمان به خدا و پیامبرش، علم و دانش، و حکمت، و همسر او، و فرزندانش حسن و حسین، و امر به معروف و نهی از منکر نمودن و داوری او به کتاب الله!

۱. بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۳۶.

۲. همان، صفحه ۹۸.

عقدی که در آسمانها بسته شد!

مسئلاً ازدواجی که بر پایه این گونه ارزشهای والا و بلند بنا می شود، باید عقد آن در آسمانها خوانده شود.
لذا در روایتی آمده است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند میان من و علی پیمان برادری برقرار ساخت، و دخترم را برای او بر فراز آسمانهای هفتگانه تزویج نمود، و ملائکه مقربین را گواه بر آن گرفت، و او را وصی و جانشین من قرار داد.^۱

دسته های گل بهشتی!

معمول است برای جشن عقد یا عروسی و پیمان جدید همسری، دسته های گل می برند.
جالب اینکه، در حدیثی می خوانیم:

جبرئیل با دسته گلی از بهشت خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد؛ دسته گل را به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله تقدیم داشت پیامبر صلی الله علیه و آله آن را گرفت و بوئید و فرمود:
این دسته گل به چه مناسبت است؟
عرض کرد:
به تمام ساکنان بهشت اعم از فرشتگان و غیر فرشتگان

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۸.

دستور داده شده، بهشت را بیاریند، نسیم بهشتی را مأمور ساخته که انواع عطرها و بوی خوش در فضای بهشت بپراکند، به حورالعین دستور داده سوره‌هایی از قرآن مجید را بخوانند، سپس منادی ندا در داده که امروز روز جشن همسری علی بن ابی طالب است، شما گواه باشید که من فاطمه دختر محمد را به همسری علی بن ابی طالب در آوردم... سپس منادی ندا در داد که ای فرشتگان و ساکنان بهشت! به علی و فاطمه تبریک گوئید که من خود به آنها تبریک گفتم، آگاه باشید من محبوبترین زنان را به محبوبترین مردان بعد از پیامبران و مرسلین تزویج نمودم...^۱

و در حدیث دیگری می‌خوانیم که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل فرمود:

مَا زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ إِلَّا بَعْدَ مَا أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ
بِتَزْوِيجِهَا^۲

من فاطمه را به همسری علی علیه السلام در نیاوردم مگر بعد از آن زمان که خداوند به من دستور داد!

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، صفحه ۱۰۲ (با تلخیص).

۲. همان، صفحه ۱۰۴.

هاله حیا!

چنانکه گفتیم امروز کار به جایی رسیده که در کشورهای «غربی» و «غرب زده» پسران و دختران برای یافتن همسر آینده خود در جرائد به صورت «زننده» و «زشتی» آگهی می‌کنند، مشخصات اعضای بدن خود و جزئیات آن را شرح می‌دهند، و چیزی که در میان آنها مفهوم ندارد پوشش زیبای حیا است.

در حالی که این مسأله که هنوز بر خانواده‌های مذهبی حاکم است زن را در هاله زیبایی از قداست و پاکی قرار می‌دهد، و به گوهر گرانبهایی تبدیل می‌کند که دارای ارزش فوق‌العاده‌ای است، در حالی که حذف مسأله حیا زن را به ابتذال می‌کشاند و از ارزش و بهای او می‌کاهد.

هنوز در میان قشر دیندار، معمول است که در مجالس عقد به هنگام گرفتن وکالت از دختر برای اجرای صیغه ازدواج، شخص وکیل باید چند مرتبه پیشنهاد وکالت را تکرار کند تا زن با آن موافقت نماید، آن هم با گفتن یک کلمه «بله» که تمام گوشهای حاضران منتظر شنیدن آن است، و حیا مانع می‌شود که عروس بسرعت این کلمه را بگوید، و به هنگامی که این واژه کوچک آمیخته با آنهمه حیا در فضای مجلس می‌پیچد، غریو هلله و شادی از حاضران برمی‌خیزد.

این حیا و شرم، به زن ارزش می‌بخشد. حال آن را با

از دواجهای وقیح و روزنامه‌ای مقایسه کنید که چقدر مبتذل و مسخره است!

جالب اینکه در روایات اسلامی آمده است که در مورد دوشیزگان شنیدن «بله» نیز لازم نیست، همان سکوت معنی دار و آمیخته با حجب و حیا که حاکی از رضایت آنها باشد، کافی است. این الگو از بانوی بزرگ اسلام فاطمه زهرا علیها السلام بجا مانده، هنگامی که افرادی از سرشناسان مکه و مدینه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله به خواستگاری دخترش زهرا علیها السلام آمدند و پیشنهاد آنها را برای بانوی اسلام بازگو کرد، فاطمه علیها السلام قیافه درهم کشید، و روی برگردانید و نشان داد که قلباً به این گونه پیشنهادها هرگز راضی نیست.

ولی هنگامی که علی علیه السلام برای خواستگاری زهرا علیها السلام خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله خوشحال شد و فرمود همینجا باش تا من نزد تو برگردم.

پیامبر صلی الله علیه و آله وارد منزل شد، دخترش زهرا علیها السلام برخاست، عبا از دوش پدر برگرفت، و نعلین از پای او بیرون آورد، و آب آورد و با دست خود سر و صورت پیامبر صلی الله علیه و آله و پاهای مبارکش را شستشو داد، سپس در برابرش نشست. پیامبر فرمود:

فاطمه!

بانوی اسلام علیها السلام عرض کرد:

لَيْتَكَ لَيْتِكَ.

رسول الله! مطلبتان را بفرمائید.

پیامبر ﷺ فرمود:

تو علی بن ابی طالب را بخوبی می‌شناسی، از نظر خویشاوندی‌اش با ما، و فضائل و سابقهٔ اسلامش، و من از پروردگارم خواسته‌ام بهترین و محبوبترین خلق را نزد خودش به همسری تو برگزیند، او الآن نزد من برای خواستگاری آمده بود، نظر تو چیست؟
فاطمه علیها السلام سکوت کرد و صورت برنگرداند، و هیچ اثر نارضائی نشان نداد،

پیامبر ﷺ برخاست و این جمله را (با خوشحالی) فرمود:

اللَّهُ أَكْبَرُ سَكُوتُهَا إِقْرَارُهَا ۱

خدا بزرگتر از آن است که توصیف گردد، سکوت دخترم به منزلهٔ اقرار او است!

۲
مهریه

غوغای مهریه

برخلاف آنچه بعضی می‌پندارند اسلام اهمّیت کمی برای مهریه قائل است، تا آنجا که اگر زن و مردی ازدواج دائم کنند، و سخنی از مهریه به میان نیاورند هیچ مشکلی ایجاد نمی‌شود، ازدواجشان صحیح است، و باید برای چنین زنی مهریه‌ای همانند زنان امثال او قائل شد (مهرالمثل).

افراط و تفریط در این مسأله، مانند بسیاری از مسائل دیگر، هنوز بر جامعه ما حاکم است، بعضی چنان به سراغ مهریه‌های سنگین می‌روند و خطّ و نشان برای آن می‌کشند که گوئی تمام افتخار و ارزش زن در آن خلاصه می‌شود، کمی مهریه را دلیل بر بی‌شخصیتی زن، و زیادی آن را مایه افتخار و مباهات و نشانه عظمت او می‌پندارند.

بسیاری از مردم چنان برای مهریه چانه می‌زنند که گوئی

می‌خواهند خانه و ملکی را خرید و فروش کنند، نه تنها به مهریه‌های نسیه و در ذمه بلکه مهریه‌های نقدی از نوع «پول رایج» قانع نیستند، چراکه با گذشت زمان کاهش پیدا می‌کند و ارزش آن کاسته می‌شود.

باید حتماً «سکه‌های طلا» و «املاک شش‌دانگ» و مانند آن باشد. در برابر این گروه اخیر، بعضی (به تقلید اروپائیها که مهریه ندارند) بطور کلی با مهریه مخالفند، و آن را بی‌معنی می‌دانند؛ درحالی که مهریه فلسفه‌هایی دارد که این گروه از آن غافل و بیخبرند.

فلسفه مهریه را در چند مورد می‌توان خلاصه کرد:

۱] مهریه یک نوع اکرام و احترام نسبت به مقام والای زن است، و در واقع هدیه است از سوی شوهر که دلیل محبت، و نشانه جدی بودن پیمان زناشویی است.

۲] همه جا معمول است که زن با خود جهیزیه‌ای به خانه شوهر می‌برد و غالباً در تهیه این جهیزیه گرفتار مشکلات می‌شوند، «مهریه نقدی» کمکی است از سوی شوهر برای تهیه جهیزیه و نشانه‌ای است از وفاداری و قبول مسؤلیت نسبت به زندگی آینده.

۳] مهریه می‌تواند تا حدی خسارت اقتصادی زن را در صورت جدائی جبران کند، زیرا می‌دانیم زنانی که از شوهر خود طلاق می‌گیرند شانس کمتری برای ازدواج دارند تا مردان آنها.

۴ مهریه غیر نقدی عامل بازدارنده‌ای است در برابر طلاق، و شاید به همین دلیل شارع مقدس اسلام به هیچ وجه حد و مرزی برای آن تعیین نکرده و نوع خاصی قائل نشده، از اموری که تنها جنبه معنوی دارد مانند «تعلیم قرآن» گرفته، تا مهریه‌های فراوان مادی را شامل می‌شود، چراکه شرایط مختلفند و اشخاص متفاوتند.

در عین حال توصیه مؤکد برای سبک کردن مهریه نموده است چنانکه علی علیه السلام می‌فرماید:

لَا تُغَالُوا بِمَهْرِ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً^۱

مهریه‌های زنان را گران و سنگین نکنید، چراکه سبب عداوت و کینه‌توزی می‌شود.

مرحوم صدوق در روایت مرسله‌ای از معصومین علیهم السلام چنین نقل می‌کند:

مِنْ بَرَكَاتِ الزَّوْجِ الْقَلِيلِ مَهْرُهَا وَمِنْ شُومِهَا كَثْرَةُ مَهْرِهَا^۲

از برکات زن این است که مهرش کم باشد و از شوم و نامیمونی او، فزونی مهر او است.

زیادی مهر در عصر ما عمدتاً از سه عامل سرچشمه می‌گیرد:

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۱، حدیث ۱۲.

۲. همان، صفحه ۱۰، حدیث ۸.

۱ گاه از چشم و همچشمی‌ها و مسابقه در این گونه مسائل است که افرادی از این طریق می‌خواهند به پندار خویش شخصیت والاتری برای خود یا فرزندان خویش کسب نمایند.

۲ گاه از غلبه روح مادّی‌گری و ارزشهای مادّی است که اساساً تمام تلاشهای گروهی برای رسیدن به آن است، و از آنجا که مهر فزونتر در کوتاه مدت یا درازمدت درآمد بیشتری را همراه دارد آن را ترجیح می‌دهند.

۳ و بالاخره گاهی از عدم اعتماد متقابل میان دو همسر یا خانواده‌های آنها سرچشمه می‌گیرد، زیرا از این بیم دارند که زندگانی مشترک آن دو، دوام پیدا نکند، و می‌خواهند این مهریه سنگین مانعی بر سر راه جدائی گردد، و یاد در فرض جدائی کمکی به زن در مشکلات ناشی از آن نماید.

مسئلاً اگر سه عامل فوق از بین برود، چشم و همچشمی‌ها و رقابتها در میان نباشد، و نخواهند به وسیله ازدواج تجارت کنند، و به زندگی مشترک آینده در سایه ایمان و تقوا امیدوار باشند، دلیلی ندارد که به دنبال این گونه مهرهای کمرشکن بروند.

مهر «بانوی اسلام»

اکنون به سراغ «خانواده نمونه» برویم تا از آن الگو بگیریم و در پرتو هدایتش راه و رسم زندگی توأم با خوشبختی را پیدا کنیم، و

مهریه اسلامی را از غیر اسلامی بشناسیم.
 در حدیث آمده است که تمام مهریه بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام
 و هزینه‌های جهیزیه و عطریات او از پول زرهی تأمین شد که
 علی علیه السلام برای جنگ خریده بود.
 پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

زره خود را بفروش، علی علیه السلام می‌گوید زره را فروختم و پول
 آن را در دامن مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله ریختم، بی آن که از من
 سؤال کند چه مقدار است، و یا من خیر دهم، دست کرد و
 مشتی از آن را گرفت و به بلال داد فرمود:
 با این برای فاطمه عطر و بوی خوش بخر.
 باز دست کرد و یک مشت دیگر به جمعی از اصحاب داد و
 فرمود برای فاطمه آنچه نیاز دارد، از لباس و اثاث‌البیت
 بخرید.^۱

در حدیث دیگری آمده است که صداق و مهریه فاطمه علیها السلام زرهی
 از آهن بود...^۲
 ولی در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه علیها السلام را
 به هنگام تزویج با علی علیه السلام به چهار صد و هشتاد درهم مهر نمود.
 و در حدیثی پانصد درهم آمده است.^۳

۱. بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۴.

۲. همان، صفحه ۱۰۴.

۳. همان، صفحه ۱۲۲.

در حدیث دیگری آمده هنگامی که سخن از کمی این مهریه به میان آمد رسول الله ﷺ به بانوی اسلام فرمود:

من تو را به علی تزویج نکردم، بلکه خدا تو را به علی تزویج فرموده، و مهر تو را یک پنجم تمام دنیا تا زمانی که آسمان و زمین برپاست، قرار داده است! (وَجَعَلَ مَهْرَكَ خُمْسَ الدُّنْيَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ)^۱

این مهریه عظیم معنوی و الهی پاداش آن گذشتی است که زهرا علیها السلام از خود نشان داد، حتی در حدیثی که در «مصباح الانوار» آمده است می خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَ جَعَلَ صَدَاقَهَا الْأَرْضَ
فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْعِضًا لَكَ مَشَى عَلَيْهَا حَرَامًا^۲

خداوند فاطمه را به همسری تو درآورد، و مهر او را تمام زمین قرار داد، کسی که بر روی آن راه رود در حالی که دشمن تو باشد، قدم به حرام برداشته است (و استفاده از زمین و آنچه بر آن است حرامش باد)!

معمولاً کسان داماد نسبت به اموال خانواده عروس کنجکاو و حساسند، همچنین کسان عروس نسبت به ثروت داماد، و لذا غالباً به جای تحقیق در ارزشهای معنوی و کمالات انسانی و فضائل

۱. بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۴۴.

۲. همان، صفحه ۱۴۵.

اخلاقی طرفین، جستجو از ثروت‌های موجود یا بالقوه یکدیگر می‌کنند، و آن را به رخ هم می‌کشند.

از پست و مقام‌های بستگان عروس و داماد سخن می‌گویند که پدرش چه کاره است و پسر عمویش چه کاره، و پسر پسر عمویش یا نوۀ دایی‌اش چه پست و مقامی دارد!

ولی در حدیث می‌خوانیم هنگامی که علی علیه السلام به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله برای خواستگاری فاطمه علیها السلام آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

چه چیز صداق و مهریه قرار خواهی داد؟

عرض کرد:

شمشیر و اسب و زره و شتری را که با آن آبیاری می‌کنم (یعنی تمام هستی مادی‌ام).

فرمود:

«شتر» و «شمشیر» و «اسب» مورد نیاز تو است و بدون آن نمی‌توانی با دشمن جهاد کنی، اما زرهت مانعی ندارد!

اینجا بود که علی علیه السلام رفت و زره را فروخت و پول آن را در دامان

پیامبر صلی الله علیه و آله ریخت...

۳
جهیزیه

مسئلهٔ بخرنج جهیزیه

همه کس فلسفهٔ جهیزیه را درک می‌کند.

دو همسر که می‌خواهند زندگی مشترک جدیدی را آغاز کنند باید حدّ اقلّ و سائل زندگی داخلی را دارا باشند، وگرنه مجبورند سربار پدر و مادر گردند که این موضوع هم مایهٔ ناراحتی آنها است، و هم استقلال زوجین را از بین می‌برد.

لذا همه جا معمول است که بستگان عروس، لوازم اولیّهٔ زندگی را همراه او به خانهٔ داماد می‌فرستند، و در مقابل، داماد هزینه‌های دیگر عروسی، و حتّی بخشی از هزینه‌های جهیزیه را (از طریق پرداختن مهریهٔ نقدی) پذیرا می‌گردد، و با این همکاری و همیاری مشکلات حل می‌شود.

ولی غالب مردم این حقیقت را فراموش می‌کنند که صلاح و مصلحت دو همسر آن است که زندگی را از جای ساده‌ای شروع

کنند و اگر می‌خواهند توسعه دهند این کار تدریجاً صورت گیرد، مسلماً کشیدن بار چنین زندگی آسانتر است، و روح محبت و دوستی و صفا و معنویت در چنین زندگی ساده‌ای موج می‌زند، و ارزشهای والای اخلاقی در زیر آوارهای جهیزیه سنگین دفن نمی‌شود.

ولی بیا و ببین چه رقابتها و چشم‌همچشمی‌ها، چه تجمل‌پرستیها و چه خرافات و موهومات که در این مسأله ساده نفوذ کرده است! گاه از سالیان دراز، هم و غم پدر و مادر دختر تهیه جهیزیه است، حتی از خوراک روز، و شام شب، باید بکاهند، تا یک جهیزیه سنگین را تهیه کنند، و به اصطلاح آبروی خود را حفظ کرده، و به پندار خود دخترشان را سربلند سازند!

در بسیاری از نقاط هنگام فرستادن جهیزیه طی یک نمایش مسخره و خنده‌دار قافله حاملان جهیزیه با یک دنیا سروصدا به راه می‌افتد، چنان جار و جنجالی برپا می‌کنند که نه تنها همسایگان، بلکه تمام محل، و گاهی همه شهر با خیر شوند که فلان کس فلان مقدار جهیزیه برای دختر خود به خانه داماد فرستاده است، و این مایه فخر و مباهات آنها است!

در بعضی از مناطق هنگامی که قافله حمل جهیزیه کار خود را تمام کرد، آنها را در اطاق یا اطاقهای متعددی در کنار هم می‌چینند، و به صورت موزه‌های تماشائی درمی‌آورند، و از فامیل و دوستان

دعوت می‌کنند که به تماشای این موزه بیایند!

چه عادت شوم و زشت و رسم ناپسندی!

بدیهی است اگر جهیزیه از نظر کیفیت و کمیت در سطح پائین باشد عرق شرمساری بر چهره عروس و کسان او می‌نشیند، و بگومگوها شروع می‌شود، یکی طنز می‌گوید، دیگری پشت چشم نازک کرده و با نیشخند می‌گوید: انشاءالله مبارکشان باشد! دیگری از روی ترخم می‌گوید: اینها مهم نیست مهم آن است که یکدیگر را دوست بدارند! و اگر زیاد باشد، باد به غبغب انداخته، به شرح گسترده‌ای درباره تهبیه هر یک از قسمت‌های آن پرداخته، و زحماتی را که برای تهیه آن از بازارها به قیمت‌های گزاف، از سفر مکه و زیارت سوریه، از فروشگاه‌های درجه اول و منحصر به فرد کشیده‌اند، می‌پردازند. کسی نیست از این افراد سؤال کند اگر جهیزیه برای زندگی خصوصی عروس و داماد تهیه شده، نمایش آن بر دیگران چه معنی دارد! هدف از این نمایش مضحک و بی‌معنی چیست!

مگر ما هر وقت وسائلی برای خانه خود می‌خریم دیگران را

دعوت برای تماشا می‌کنیم!

بدبختانه گاه بگومگوها و گله‌های مربوط به آن، سالها در میان فامیل باقی می‌ماند و آثار شوم و سوء آن در روحیه عروس و داماد، شهید زندگی را در کام آنها شرنگ می‌سازد.

در حالی که می‌دانیم فلسفه جهیزیه، آغاز یک زندگی ساده و

آبرومند و توأم با خوشبختی و شادکامی است، نه مسابقه‌های زشت و نمایشهای مسخره و شرم‌آور.

از همه بدتر این‌که، در چنان مجلسی فوراً مقایسه‌ها شروع می‌شود و جهیزیۀ این دختر و آن دختر را با هم می‌سنجند، این مقایسه معمولاً آتش کینه و حسد و عداوت را در دل گروهی از حاضران می‌افروزد، و مفاصد دیگری را به دنبال دارد، چراکه همیشه کار بد، زنجیروار کارهای بد دیگری را سبب می‌شود.

جهیزیۀ دختر گرامی پیامبر ﷺ

حال به سراغ «خانواده نمونه» برویم و جهیزیۀ ازدواج برترین زنان جهان با برگزیده‌ترین مردان تاریخ بعد از پیامبر اکرم ﷺ را مورد توجه قرار دهیم و از آن الهام بگیریم.

در بحثهای گذشته خواندیم که تمام سرمایه مولای متقیان ﷺ برای مراسم ازدواج تنها پول زرهی بود که به فرمان پیامبر ﷺ آن را فروخت و از آن «عطریات» و «لباس» و «جهیزیۀ» حضرت زهرا ﷺ تهیه شد.

قیمت این زره به روایتی، سی درهم، و به روایات دیگر ۴۸۰ یا ۵۰۰ درهم بود^۱ و با توجه به این‌که «درهم» تقریباً نیم مثقال نقره

۱. مرحوم علامه مجلسی در «بحارالانوار» می‌گوید: ممکن است قیمت واقعی آن همان ۳۰ درهم بوده، ولی بعضی از علاقه‌مندان آن را به مبلغ افزونتر خریده باشند.

مسکوک است، مجموع قیمت زره و بهای تمام وسائلی را که به عنوان جهیزیه تهیه کردند به آسانی می توان محاسبه نمود.

از روایتی استفاده می شود که تنها یک سوم قیمت زره برای جهیزیه مصرف شد، و از آن بخوبی برمی آید که تا چه حد وسائل زندگی جدید این دو زوج خوشبخت جهان بشریت ساده و بی آرایش و دور از هرگونه تشریفات بوده است.

صورت جهیزیه بانوی اسلام ص و به اصطلاح ریز اقلام آن را نیز ارباب سیر و تواریخ نوشته اند که مطالعه آن انسان را با عالمی از صفا و زهد و وارستگی عجیب روبه رو می سازد، که عظمت و شکوه بی نظیر و خیره کننده اش هر انسان آزاده ای را به خضوع در برابر آن وامی دارد.

صورت جهیزیه ای که یاران پیامبر ص با آن وجه مختصر برای یگانه دختر پیامبر ص تهیه کردند به این ترتیب بود:

۱- یک فرش مصری که داخل آن پشم بود

۲- یک سفره چرمی

۳- یک متکای چرمی که داخل آن لیف درخت خرما بود

۴- یک عبای خیبری

۵- یک مشک آب

۶- چند کوزه

۷- چند ظرف و کاسه سفالین

۸- یک ظرف برای آب و آب‌کشی (مطهره)

۹- یک پرده نازک پشمی

این بود مجموعهٔ جهیزیّه زهرا علیها السلام طبق روایت^۱. هنگامی که وسائل فوق را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند نگاهی به آن کرد و گریست، سپس سر به سوی آسمان بلند کرد و دعای عجیبی کرد و گفت:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لِقَوْمٍ جُلُّ أُنْتِهِمُ الْخَزَفُ^۲

خداوندا به قومی که غالب ظروف آنها سفالین است، مبارک گردان!

دقت در این اقلام جهیزیّه عجیب و تاریخی، و دعائی که پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال آن فرمود، بسیار چیزها به انسان می‌آموزد. عظمت و شکوهی که در این جهیزیّه ساده نهفته است، و پیام و الهامی که به فرزندان اسلام در تمام قرون می‌دهد، غیر قابل توصیف است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با این کار می‌خواهد درسی بزرگ برای تمام اعصار و برای تمام نسلها به یادگار بگذارد، و نشان دهد که اسلام بر محور تجمل پرستی و رقابتهای کمرشکن مادی که مایهٔ صعوبت کار ازدواج، و به تأخیر افتادن برنامهٔ جوانان، و آلودگی اجتماع

۱. بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۳۰.

۲. همان.

مسلمین می‌گردد، نیست. اساس و پایه کار، همه جا بر سهولت و سادگی، و وارستگی و آزادگی، صفا و صمیمیت استوار است.

آنچه پیامبر اسلام ﷺ به عنوان نمونه و سرمشق نشان داد نه تنها در مقیاس امروز ساده و بی‌تکلف بود، بلکه در اجتماع آن زمان نیز بسیار ساده تلقی می‌شد، تا آنجا که دنیاپرستان آن عصر که هنوز رسوبات «ارزشهای جاهلی» در اعماق روح و جان تاریکشان بود، زهرای عزیز را بر این زندگی ساده شوهرش سرزنش کردند، و جوابی با آن عظمت را از پیغمبر اکرم ﷺ شنیدند که قبلاً ذکر کردیم.

اینها همه هشدار است به آنها که نه تنها روی قلم به قلم و سائل تجملی جهیزیه که گاه بسیاری از آنها در تمام طول عمر هم یکبار مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، اصرار دارند، بلکه حتی روی مارکهای مختلف داخلی یا خارجی و رنگ و نقش و نگار آنها نیز حساسیت آمیخته با وسواس نشان می‌دهند؛ آری هشدار است به همه آنها!

پیامبر اکرم ﷺ با امکاناتی که در آن زمان داشت، می‌توانست وسائلی بسیار بهتر و با ارزشتر از آنچه گفتیم برای تنها دخترش زهرا علیها السلام و تنها یادگار همسر محبوبش خدیجه، و تنها یار و یاور همیشگی اش علی علیه السلام فراهم سازد، ولی مخصوصاً این کار را نکرد، که اگر می‌کرد دستور جاویدان: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» ارزش خود را از دست می‌داد.

عجب این‌که، گروهی از مسلمانان این سخنان را می‌شنوند، و

بی خیال از کنار آن بسادگی می گذرند، و گاه اسم این بی اعتنائی را ضرورت‌های عصر و زمان می گذارند، ضرورتی که آبرو و حیثیت آنها در گرو آن است!

در حالی که ضرورت بودن آن، «بهانه» یا «خیال» و «توهمی» بیش نیست، مانند همه خیالها و پندارها در صحنه زندگی که: از خیالی صلحشان و جنگشان و ز خیالی نامشان و ننگشان و از همه مضحکتر این که، گاه برای تیمن و تبرک در کنار مهریه‌های سنگین چند میلیونی، مهریه پانصد درهمی حضرت زهرا علیها السلام را نیز ضمیمه می کنند! یا بعضی از قلمهای جهیزیه آن حضرت را برای تأسی به آن بزرگوار در کنار اجناس لوکس و وسائل پر زرق و برق و گرانبیعت خود قرار می دهند.

این درست به آن می ماند که در کنار سفره‌ای که انواع غذاهای رنگین داخلی و خارجی، و سنتی و مدرن، در آن جمع است، مقداری نان جو و نمک هم قرار دهیم که این خوراک مولای متقیان و پیشوای آزادگان جهان، علی علیه السلام است و ما شیعیان و پیروان مکتب او هستیم! چقدر این کار کودکانه و مسخره است!

من معتقدم بیرون آوردن بسیاری از پدران و مادران تجمل پرست متعصب از زیر آوار تقلیدها و آداب و رسوم غلط و خرافی کار آسانی نیست. جوانان، اعم از دختران و پسران که روح بی آایش تری دارند برای سنت شکنی، و درهم کوبیدن آداب و

رسوم غلط آماده‌ترند، آنها باید بپا خیزند و اجازه ندهند سرنوشتشان بازیچه دست این سنتهای زشت، و رقابتها و چشم و همچشمی‌های ویرانگر بزرگترها شود، و صفا و صمیمیت همسرانشان در آتش این رسوم غلط و غیر منطقی بسوزد.

آنها باید حاکم بر سرنوشت خود شوند، و دستهای معمارانی را که سنگ اول زیربنای زندگی آنها را از اول کج می‌نهند، و بعد از آن تا گنبد دوار کج می‌رود، از این مسأله حیاتی کوتاه کنند، و قولاً و عملاً ثابت نمایند طرفدار مهریه‌های معقول، جهیزیه‌های ساده، و مراسم از دواج بی‌تکلف و آمیخته با صمیمیت و صفای اسلام هستند. پسران جوان باید ثابت کنند رهروان مخلص راه امیرمؤمنان علی مرتضی علیه السلام می‌باشند.

دختران جوان نیز باید ثابت کنند از زندگی زهرای مرضیه علیها السلام بزرگترین شخصیت زن در جهان بشریت الگو می‌گیرند، و به وسوسه‌های این و آن دل نسپرده، و به دشمنی‌های در لباس خیرخواهی، توجهی نمی‌کنند؛ و من به تأثیر این سخنان در جوانان بسیار امیدوارم.

۴
خطبة عقد

مراسم خطبه عقد

این مراسم نیز غالباً با تشریفات زیادی همراه است، و گاه آمیخته با انواع گناهان می باشد، ولی در مقایسه با مراسم شب زفاف (جشن عروسی) ساده تر است.

در این مراسم قسمتهای جالبی دیده می شود که یا پیروی از یک سنت اسلامی است، مانند خواندن خطبه ای که مشتمل بر آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام درباره اهمیت ازدواج برای جوانان و ارزشهای حاکم بر آن است و وظیفه بزرگسالان را در برابر این امر حیاتی روشن می سازد؛ یا تبعیت از یک سنت حسنه است، مانند نشستن عروس بر سجاده (جانماز) رو به قبله، در حضور قرآن که نشانه ایمان و تقوای الهی است، و در برابر آئینه و شمعدان که سمبل صفا و پاکی و روشنی است؛ و یک سلسله کارهای ساده سمبلیک دیگر که شاید خوانندگان از نویسندگان نسبت به آن آشنا ترند، اینها

همه در جای خود خوب است و جالب.

ولی بدبختی و مصیبت آنجا شروع می‌شود که دعوت شونندگان چنان مسابقه‌ای با هم در لباسهای تجملی و آرایشهای جلف و زننده، و آویختن انواع زینت‌آلات به خود، می‌دهند که گاه عروس در میان آنها گم می‌شود! و طبیعی است که در چنین جلسه شومی همه در اندیشه خودآرائی و خودنمایی هستند.

وای بر آن وقتی که پای مردان نیز به بهانه‌های مختلف به این مجلس باز شود و اختلاط برقرار شود، و فیلمبرداران و عکاسان از این مراسم که یکپارچه گناه و معصیت و نافرمانی خدا است عکس و فیلم بردارند، و به گناهان خود رنگ جاودانگی دهند!

چه بهتر که شرح این فجایع را رها کنیم و به سراغ خانواده نمونه‌ای برویم که راستی آنچه خوبان همه دارند آنها به تنهایی دارند.

از خطبه‌های عقد بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام شروع می‌کنیم:

خطبه‌ای که خدا خواند؛ خطبه‌ای که رسول الله صلی الله علیه و آله خواند؛ و خطبه‌ای که علی علیه السلام خواند که همه معنی‌دار و آموزنده است:

در خطبه الهی آمده است:

الْحَمْدُ رِذَائِي وَالْعِظْمَةُ كِبْرِيَائِي وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِبِيدِي
وَأُمَائِي، زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ أُمَّتِي مِنْ عَلِيٍّ صَفْوَتِي،
إِشْهَدُوا مَلَائِكَتِي

حمد شایسته من است و عظمت به من می‌برازد، و تمام خلق،
بندگان و کنیزان من هستند، من کنیزم «فاطمه» را به همسری
«علی» در آوردم، ای فرشتگان من، همه گواه باشید!

جمله‌های آغاز این خطبه، بینی مستکبران و خود برترینان را به
خاک می‌مالد، و عظمت و بزرگی را مخصوص خدا می‌شمرد، و
جمله‌های بعد، آخرین حد انسان را بندگی خدا می‌شمرد.
سپس افتخار بزرگ فاطمه علیها السلام را همین مقام بندگی حق، و افتخار
علی علیه السلام را برگزیده خدا از میان بندگان بودن، معرفی می‌کند.

بعد خداوند با ولایت مطلقه‌اش عقد همسری این دو وجود پر
جود عالم بشریت را می‌بندد، و تمامی فرشتگان مقرب را گواه بر آن
می‌گیرد، تا سرمشقی برای همگان باشد.

دومین خطبه از آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که طبق روایات چهل
روز بعد از آن اجرا شد (این فاصله اربعین، خواه برای مراعات
جانب ادب باشد یا رمز تکامل، در هر حال پر معنی است).

خطبه به این شرح بود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَحْمُودِ بِنِعْمَتِهِ، الْمَعْبُودِ بِقُدْرَتِهِ، الْمَطَاعِ فِي
سُلْطَانِهِ، الْمَرْهُوبِ مِنْ عَذَابِهِ، الْمَرْغُوبِ إِلَيْهِ فِيمَا عِنْدَهُ،
الْتَأْفِدِ أَمْرَهُ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ، الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ
بِقُدْرَتِهِ وَ مَيَّرَهُمْ بِأَحْكَامِهِ، وَ أَعَزَّهُمْ بِدِينِهِ وَ أَكْرَمَهُمْ
بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمُضَاهَرَةَ نَسَبًا لَأِحْقًا، وَ

أَمْرًا مُفْتَرَضًا، وَ شَجَّ بِهَا الْأَرْحَامَ وَ أَلْزَمَهَا الْأَنْامَ، فَقَالَ
تَبَارَكَ اسْمُهُ وَ تَعَالَى جَدُّهُ: وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ
بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا...
ثُمَّ أَنِّي أُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيِّ عَلِيِّ
أَرْبَعًا مِثْقَالَ فِضَّةٍ...

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به خاطر نعمتهایش شایسته حمد است، و به خاطر قدرتش در خور عبودیت، و به خاطر سلطه و حاکمیتش سزاوار اطاعت، خدائی که عذابش موجب وحشت، و پاداشهایش مایه رغبت، و حکمش در آسمان و زمین نافذ است، خدائی که خلق را با قدرتش آفرید، و آنها را با احکامش از هم جدا نمود، با دینش آنان را عزت بخشید، و با پیامبرش محمد گرامی داشت. سپس خداوند پیمان زناشویی را همردیف خویشاوندی نسبی قرار داد و تاروپود آن دو را درهم آمیخت، و بر بندگان واجب شمرد، و در همین زمینه خداوند متعال می فرماید: او کسی است که انسان را از آب آفرید و (گسترش نسل) او را از طریق نسب و زناشویی قرار داد و پروردگار تو توانا است... سپس من، شما (یارانم) را گواه می گیرم که دخترم فاطمه را با مهریه ای برابر ۴۰۰ مثقال نقره به همسری علی در آوردم.^۱

۱. بحارالانوار، جلد ۴۲، صفحه ۱۱۹ - تعبیر به ۴۰۰ مثقال نقره که در این روایت آمده شاذ است و ممکن است از اشتباه روات باشد و گرنه معروف ۵۰۰ درهم است و این غیر از مهر نقدی است که از پول زره پرداخته شد.

در این خطبه نیز ضمن برشمردن نکات دقیق و ظریفی از معارف توحیدی و اوصاف جمال و جلال و افعال خدا که پایه اصلی اعتماد خانواده را تشکیل می‌دهد، و اشاره به آفرینش عجیب انسان از آب (نطفه) و گسترش نسل او از طریق نسب و زناشوئی می‌کند، به اهمیّت مسأله ازدواج پرداخته و آن را به عنوان وسیله‌ای برای بقای نوع بشر فرض و واجب می‌شمرد، سپس به اجرای عقد بزرگ بانوی اسلام برای بزرگمرد جهان انسانیّت می‌پردازد.

و بالاخره در خطبه فصیح و بلیغ خود امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین می‌خوانیم: که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود برای خودت خطبه بخوان، علی علیه السلام عرضه داشت:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَرَّبَ مِنْ حَامِدِيهِ وَ ذَنَا مِنْ سَائِلِيهِ، وَ
 وَعَدَ الْجَنَّةَ مَنْ يَتَّقِيهِ، وَ أَنْذَرَ بِالنَّارِ مَنْ يَعْصِيهِ، نَحْمَدُهُ
 عَلَى قَدِيمِ إِحْسَانِهِ وَ آيَادِيهِ، حَمْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ خَالِقُهُ وَ
 بَارِيهِ، وَ مُمِيتَهُ وَ مُحْيِيهِ، وَ مُسَائِلَهُ عَنِ مُسَاوِيهِ، وَ
 نَسْتَعِينُهُ وَ نَسْتَهْدِيهِ، وَ نُؤْمِنُ بِهِ وَ نَسْتَكْفِيهِ، نَشْهَدُ أَنْ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ شَهَادَةً تَبْلُغُهُ وَ تُرْضِيهِ،
 وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَوَاتُكَ تَزُلُّهُ وَ تُحْظِيهِ، وَ
 تَرْفَعُهُ وَ تَصْطَفِيهِ، وَ النِّكَاحُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَ يُرْضِيهِ، وَ
 اجْتِمَاعُنَا مِمَّا قَدَّرَهُ اللَّهُ وَ أَدْنَى فِيهِ، وَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ
 زَوْجِنِي ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ عَلَى خُمْسِ مِائَةِ دِرْهَمٍ وَ قَدْ رَضِيْتُ

فَاسْأَلُوهُ وَاشْهَدُوا^۱

ستایش ویژه خداوندی است که نسبت به ستایش کنندگانش نزدیک و به درخواست کنندگانش قریب است، به پرهیزگاران بهشت و به گنهکاران دوزخ، وعده داده است.

من او را بر احسان قدیم و انواع نعمت‌هایش حمد می‌گویم، حمد کسی که او را خالق و آفریدگار خود می‌داند، و میراننده و زنده کننده خود می‌شناسد، و یقین دارد او را در برابر اعمال بدش موأخذه می‌کند.

من از او یاری می‌طلبم و هدایت می‌جویم و به او ایمان می‌آورم و از او کفایت امورم را می‌خواهم.

و شهادت می‌دهیم هیچ معبودی جز خداوند یکتا نیست، یگانه است و شریک ندارد، شهادتی که به ساحت قدسش می‌رسد، و او را راضی می‌کند، و نیز گواهی می‌دهیم که محمد بنده و فرستاده او است، و به او درود می‌فرستیم که وی را به خدا نزدیکتر و از لطفش بهره‌مندتر، و مقامش را والاتر و برگزیده‌تر سازد.

(اما بعد) ازدواج از اموری است که خدا به آن امر کرده، و مایه خوشنودی او است، و ازدواج ما از اموری است که خدا آن را مقدر فرموده، و اجازه داده، این رسول خدا است که دخترش فاطمه را به مهریه‌ای به مقدار پانصد درهم به همسری من درآورده است و من به این امر راضی شده‌ام از او (این مطلب را) جويا شوید و (بر آن) گواهی دهید.



جشن عروسی

مراسم عروسی

یکی از آرزوهای بسیاری از پدران و مادران آن است که زنده بمانند و مراسم زفاف فرزندان خود را ببینند، و در حقیقت دیدنی است، به شرط آنکه با ندانم کاریها و اعمال بی رویه خود آن شب شادمانی را به عزا مبدل نکنند.

این مراسم در اسلام نیز وجود دارد و به عنوان «ولیمه» زفاف در اخبار و احادیث آمده است.^۱

هر کس می تواند با اندکی اندیشه و تأمل، فلسفه آن را نیز درک کند، زیرا:

اولاً، این مراسم که با حضور سرشناسان فامیل و دوستان و آشنایان انجام می گیرد، به زندگی مشترک جدید زوجین کاملاً رسمیت می بخشد، و آنها را به قبول مسؤولیت در برابر آن جداً

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۴، باب ۴۰ - از ابواب مقدمات النکاح.

و اداری می‌سازد، چه آنکه اگر در خفا و بدون هیچگونه مراسمی انجام می‌شد برای هر دو طرف ممکن بود به آسانی تعهدات خود را زیر پا بگذارند، و با برخورد با اولین مشکلات در زندگی جدید، راه جدائی را پیش گیرند!

ولی کاری که با آن همه سروصدا و در حضور آن جمع سرشناس و آشنا انجام می‌گیرد چیز ساده‌ای نیست که به آسانی بتوانند از آن چشم‌پوشند، یا به صورت یک مطلب خصوصی و کوچک با آن برخورد کنند؛ بنابراین، مراسم فوق در درجه اول به عقد زناشویی استحکام می‌بخشد، و به آن رسمیت و عینیت می‌دهد.

ثانیاً، وقتی پایه شروع زندگی جدید بر شادمانی و سرور گذارده شود خاطره خوبی که از آن در ذهن طرفین باقی می‌ماند سبب می‌شود که آن را به عنوان یک حادثه مسرت بخش و سرور آفرین در تمام طول عمر، بدانند، و طبعاً بسیاری از مشکلات را به خاطر آن تحمل کنند، و با خوشبینی به مسائل مربوط به آینده بنگرند.

ثالثاً، این مراسم، آشنایان و بستگان را نیز دعوت می‌کند که با شرکت در آن، خود را در حل مشکلات خانواده جدید، در حال و آینده شریک و سهم بدانند، و با توجه به این که تشکیل زندگی مشترک به هر حال مشکلاتی دارد سهم شدن آنان در حل آنها بسیار مفید و با ارزش خواهد بود و فوائد مهم دیگر.

ولی مشکل از زمانی شروع می‌شود که این مراسم مفید و با

ارزش و شادی آفرین، با تجمل پرستی، و انواع هوی و هوسها، و ولخرجیها و بی بند و باریها و اسراف و تبذیرها، و انواع گناهان آلوده شود، و در اینجا نتیجه کاملاً معکوس خواهد شد.

شبی غم‌انگیز، با هزینه‌هایی کمرشکن، و خاطره‌ای تلخ و دردناک خواهد بود.

شبی با انواع آلودگیها و مفاسدی که خداوند بزرگ را به خشم می‌آورد.

و بالاخره شبی که آثار سوء آن نه تنها در روح دو زوج جوان، بلکه در اطرافیان و بستگان آنها تا سالیان دراز باقی می‌ماند.

آنچه در این زمینه می‌گوئیم مطالبی است که از دور شنیده‌ایم، و مسلماً آنها که از نزدیک دیده‌اند به عمق این فجایع آشنا ترند که «شنیدن کی بود مانند دیدن!»

شب زفاف در خانواده‌های تجمل پرست نه تنها مصیبتی است برای پدر و مادر و عروس و داماد، بلکه شب بسیار پر زحمتی است برای تمام دعوت‌شدگان، چه اینکه شب مسابقه تجمل و خودآرائی، و شب به رخ کشیدن لباسهای گرانقیمت و جواهرات رنگارنگ به یکدیگر است.

بسیاری از زنان آنها از هفته‌ها و ماهها قبل خود را برای نمایش ثروت در آن شب آماده می‌کنند، و لباسهای تازه و جواهرات نوین سفارش می‌دهند.

بسیاری از بزرگترها چنان خودآرائی می‌کنند که گوئی فراموش کرده‌اند عروس، دختر آنها است نه خود آنها!

و از آنجا که در میدان مسابقه، هر کس تلاش می‌کند از رقبا عقب نیفتد باید هر کدام هزینه زیاد و رنج طاقتفرسائی را متحمل شوند، و چه بسا همین مسائل باعث اختلافاتی میان آنها و شوهرانشان می‌شود که چرا در این زمینه ولخرجی لازم را نکرده‌اند، تا از رقیبان عقب نمانند؛ و آبرویشان در میان جمع رفته است!

حال فکر کنید اگر در این جلسات زنان و مردان به هم آمیخته شوند چه مفاسد و حشمتناکی به بار می‌آید! مسلماً محیطی به وجود می‌آید «آماده» و «مملو» برای انواع گناهان، و پر واضح است که این گناهان اثر شوم خود را خواهد بخشید و ازدواجی این چنین، قرین سعادت و خوشبختی نخواهد بود.

چیزی که در این گونه مجالس معنی و مفهوم ندارد، یاد خدا و پاکی و تقوا و خوشبختی دو زوج جدید است.

تاریخ نیز اسراف کاریهای جنون‌آمیزی را از سوی ثروتمندان مرفّه و بی‌درد، و طاغوت‌های هر زمان، به خاطر دارد، و از آن جمله ریخت و پاشهای بی‌حساب «عباسیان» از «بیت‌المال مسلمین» در عروسیهای پر خرجشان است.

در یکی از این گونه مراسم، خلفای عباسی به جای «نقل» یا «سکه‌های کوچک» که بعضی از مردم بر سر عروس می‌پاشند (و به

تعبیر عربها «نثار» می‌کنند) ورقه‌های کوچکی را که هر کدام سند مالکیت یک ملک و آبادی شش‌دانگ! بود، بر سر عروسشان پاشیدند و هر کس یکی از آنها را ربود مالک یک آبادی شد (و طبعاً کسانی که در آن مجالس راه داشتند همان درباریان پر پول و ثروتمندان حاشیه‌نشین بودند).

حال ببینیم در مراسم جشن عروسی این خانواده نمونه و بی نظیر چه گذشت.

یک ماه از مراسم عقد بانوی اسلام علیها السلام با علی علیه السلام گذشت. روزی «ام ایمن» با جمعی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به محضرش شرفیاب شدند، «ام ایمن» مطلب را از جای جالبی که قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله را به شوق می‌آورد شروع کرد و گفت:

اگر خدیجه امروز در حیات بود چشمش به عروسی «فاطمه» علیها السلام روشن می‌شد،

سپس افزود:

علی علیه السلام خواهان همسر خویش است، چشم فاطمه را به همسرش روشن فرما، و جمع آنها را سامان ده، و چشم ما را نیز با آن روشن کن...

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

بروید و اطاقی را در خانه من برای زفاف آنها فراهم سازید،

«امّ ایمن» عرض کرد:

اطاق کدامیک از ما؟

فرمود:

اطاق خودت!

سپس رو به سایرین کرد و فرمود:

بروید و امّسلمه را برای آماده ساختن اطاق یاری کنید.

بعد رو به علی علیه السلام کرد و فرمود:

برو غذای خوبی برای این مراسم آماده کن!

سپس افزود:

گوشت و نان از ما، و خرما و روغن از تو!

علی علیه السلام مقداری خرما و روغن (برای ساختن حلوا، شیرینی لازم برای این مراسم) تهیه فرمود و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله آستین مبارک را بالا زد و خرما را در روغن مالش داد و حلوا آماده شد.

سپس دستور داد گو سفندی فربه با «نان» فراوان آماده ساختند،

بعد به علی علیه السلام فرمود:

اکنون برو و هرکس را میل‌داری برای جشن عروسی دعوت کن!

علی علیه السلام می‌گوید:

به مسجد آمدم در حالی که مملو از جمعیت بود، شرمم آمد که گروهی را دعوت کنم و گروهی را دعوت نکنم، روی یک بلندی قرار گرفتم و صدا زدم ای مسلمانان! همه شما را به

«ولیمه» و (جشن عروسی) فاطمه علیها السلام دعوت می‌کنم. مردم مانند سیل رو به سوی خانهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند، شرم سراپای مرا فرا گرفت چرا که جمعیت بسیار زیاد بود و غذا کم! پیامبر صلی الله علیه و آله از آنچه در قلبم گذشت آگاه شد فرمود: علی! غصه مخور من دعایم کنم خدا به این غذا برکت دهد. مردم گروه گروه آمدند و «نشستند و خوردند و برخاستند» و برای من دعا کردند و تبریک گفتند، در حالی که عدد آنها به چهار هزار می‌رسید، و غذا همچنان برجای مانده بود! سپس پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد ظرفها را آورند و از غذا پسر کرد و برای خانهٔ همسرانش فرستاد، سپس ظرفی را پر از غذا کرد و گفت این هم برای فاطمه و شوهرش. آفتاب غروب کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله به «ام سلمه» فرمود دخترم فاطمه را بیاور.

ام سلمه می‌گوید:

رفتم فاطمه علیها السلام را با خود آوردم در حالی که از شدت شرم و حیا در برابر پدر، عرق از صورت مبارکش فرو می‌چکید، ناگهان دستپاچه شد و پایش لغزید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترم خدا تو را در دنیا و آخرت از لغزش حفظ کند. هنگامی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد پیامبر صلی الله علیه و آله گوشهٔ چادر را از صورتش کنار زد و علی علیه السلام چهرهٔ مبارکش را دید، سپس دست او را گرفت و در دست علی نهاد و فرمود: دختر رسول خدا فاطمه بر تو مبارک باد!

سپس افزود:

ای علی! فاطمه زن خوبی است.
و بعد رو به فاطمه کرد و فرمود:
دخترم! علی شوهر خوبی است، برخیزید و به منزل بروید و
برجای باشید تا من بیایم.
علی علیه السلام دست همسرش زهرا علیها السلام را گرفت و به منزل رفت.
چیزی نگذشت که پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، اجازه گرفت و وارد شد.
فاطمه علیها السلام را در کنار خود نشانید، و فرمود:
حال برو ظرف آبی برای من بیاور، فاطمه علیها السلام ظرف آبی آورد،
پیامبر صلی الله علیه و آله کمی از آب دهان مبارک خود را با آن آب آمیخت،
سپس مقداری از آن آب بر سر فاطمه علیها السلام ریخت، بعد فرمود رو
به من کن، مقداری از آن را نیز در سینه او ریخت، باز فرمود:
روی برگردان، مقداری از آب را هم میان دو شانه او ریخت،
سپس این جمله پر معنی را به پیشگاه خداوند عرضه داشت:
خداوند! این دخترم فاطمه و محبوبترین خلق نزد من است. و
این برادرم علی و محبوبترین خلق نزد من است.
خدایا! او را ولی خود قرار ده و همسرش را بر او مبارک کن!
سپس به علی علیه السلام تبریک گفت و خارج شد.^۱

یک بار دیگر این حدیث را مرور کنیم، و در بندبند آن و پیامهای
صریح و کنائی آن بیندیشیم، و صفا و سادگی و نورانیتهای که بر جزء
جزء این مراسم زیبا و باشکوه و روحانی حکمفرما بوده، در نظر

۱. بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۵ و ۹۶ (با تلخیص).

مجسم کنیم:

- میهمانان، تمام یاران پیامبر ﷺ حاضر در مسجد بودند، یعنی چهار هزار نفر!
- طرز دعوت به آن سادگی از طریق یک پیام شفاهی و عمومی توسط خود داماد.
- پذیرش دعوت از سوی همه و شرکت عمومی در این مجلس جشن با شکوه.
- غذا، منحصر به نان و گوشت و مقداری حلوی خرما به عنوان شیرینی.
- تهیه شیرینی با دست خود پیامبر ﷺ صورت گرفت.
- تقسیم هزینه میان پدر عروس و داماد.
- برکت عجیب غذا به دعای پیامبر ﷺ و غذا خوردن بی تکلف اصحاب و تبریک گفتن و رفتن.
- فرستادن باقیمانده غذا به خانه همسران پیامبر ﷺ.
- و آخرین مرحله کنار گذاشتن غذای عروس و داماد از همان باقیمانده غذا.
- حیا و حجب فوق العاده عروس.
- سفارش کردن عروس و داماد را به یکدیگر، و تبریک گفتن صمیمانه پیامبر ﷺ به آن دو عزیز.
- اعلام پایان مراسم جشن عروسی از سوی رسول الله ﷺ.

چه زیبا و باشکوه و با صفاست چنین جشن و چنین مراسمی!
هرگز انتظار نداریم مردم عیناً چنین کنند، ولی این انتظار هست
که از آن هزینه‌های کمرشکن و اسراف کاریهای جنون‌آمیز و آلوده
شدن به انواع گناهان و بی‌عفتی‌ها بپرهیزند.

سرود شادی!

در آن شب تاریخی زنان پیامبر ﷺ و بسیاری از زنان مهاجر و
انصار نیز شرکت داشتند، و در مجلس خودشان سرود شادی
می‌خواندند که تاریخ سرود چهار نفر را ضبط کرده است:
«ام‌سلمه»، «معاذه» (مادر سعد بن معاذ) و «عایشه» (دختر ابوبکر)
و «حفصه» (دختر عمر) و مادر اینجا تنها به نقل سرود «حفصه»
قناعت می‌کنیم که از زبان او سخن شنیدن در اینجا بهتر است:

فَاطِمَةُ خَيْرُ نِسَاءِ الْبَشَرِ وَ مَنْ لَهَا وَجْهٌ كَوَجْهِ الْقَمَرِ
فَضَّلَكَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ الْوَرَى بِفَضْلِ مَنْ حَصَّ بِأَيِّ الزُّمَرِ
رَوْجِكَ اللَّهُ فَتَى فَاضِلاً أَغْنَى عَلِيّاً خَيْرَ مَنْ فِي الْخَضَرِ
فَسِرْنَ جَارَاتِي بِهَا إِنَّهَا كَرِيمَةٌ بِنْتُ عَظِيمِ الْخَطَرِ^۱

فاطمه بهترین زنان بشر است و صورتی همچون ماه دارد.
خدا تو را بر تمام خلق برتری داده، به فضیلتی مخصوص
[داشته] که در آیات سوره زمر بیان کرده است.

۱. بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۱۶.

خداوند تو را به همسری جوانی با فضیلت درآورد، یعنی علی
بهترین مردان جهان.
همسایگان! او را به خانه شوهرش برید که او بزرگواری است
دختر مردی گرانمایه.

تمام سرودها - که با آهنگی نه گناه آلود خوانده می شد - پر محتوا،
آموزنده، و الهام بخش بود، و فضای آن جشن روحانی را صفای
تازه ای می بخشید، و دوست و دشمن، خود را با آن بزم الهی
همهانگ و همنا ساخته بودند.

* * *

بزم شادی کز و بیان، و نثار عروس!

اینها همه یک سوی قضیه و در عالم پائین بود، ولی از روایات
اسلامی استفاده می شود که در محفل کز و بیان و عالم بالا نیز جشنی
بسیار گسترده تر و با شکوه تر برپا بود:

مأموران بهشتی به فرمان خدا بهشت را به زیباترین صورتی
آراستند.

نسیم عطرآگین بهشتی دستور داشت انواع بوی عطر را در
فضای بهشت بیفشاند، و آن را خوشبوتر از همیشه کند.
حوریان بهشتی سوره های قرآن زمزمه می کردند... و گوینده ای
از زیر عرش الهی صدا زد همه آگاه باشید که امروز روز جشن
عروسی علی (و زهرا) است.

سپس خداوند ابر سفیدی را به آسمان فرستاد تا بر آنها

دانه‌های لؤلؤ و زبرجد و یاقوت بیارد!
 و فرشتگان مأموریت داشتند دسته‌های گل بهشتی نثار کنند که
 جبرئیل امین (آن‌گونه که قبلاً گفتیم) یک دسته از این گلها را
 همراه با تبریک خود به محضر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورد.^۱

آری! محفلی آنچنان پاک و با صفا و روحانی در روی زمین
 ممکن نیست جدا از محفل بهشتیان و ملائکه مقربین باشد، که عالم
 هستی یک واحد به هم پیوسته و هماهنگ است.
 بیایید کاری کنید که محفل جشن عروسی فرزندان شما نیز
 الگویی از آن گیرد، و ساکنان عالم بالا با آن هم صدا شوند.

«پایان»